

سرشناسه	: سمندر، وفا، ۱۳۴۱
عنوان و نام پدیدآور	: جادوگر هزار دست / نویسنده: وفا سمندر، ویراستار: آرش ایرانیپور
مشخصات نشر	: تهران، آرون، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	: ۲۳۸ ص.
شابک	: ۶ - ۸۲۱ - ۳۳۱ - ۹۶۴ - ۹۷۸ .
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیبا.
موضوع	: کتاب حاضر به زبان پشتو بوده و به فارسی برگردانده شده است.
موضوع	: داستان‌های افغانی - قرن ۱۴
موضوع	: Afghan fiction - 20 th century
شماره خزانه	: ایرانیپور، آرش، ۱۳۵۱، ویراستار
ردیف دی کنگره	: PIR ۹۰۳۲
رده‌بندی دی‌سی	: ۸ فا ۳ / ۶۲
شماره کتابخانه ملی	: ۶۱۰۴۵۷۸



جادوگر هزار دست

نویسنده: وفا سمندر

ویراستار: آرش ایرانیپور

ناشر: انتشارات آرون

چاپ اول: ۱۳۹۹

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

۴۴۰۰۰ تومان

نشانی: میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، خیابان وحید نظری

نرسیده به خیابان منیری جاوید، پلاک ۱۰۵، واحد ۳ تلفن: ۵۱ - ۶۶۹۶۲۸۵۰

ایمیل: Arvannashr@yahoo.com وبسایت: www.Arvannashr.ir

مقدمه

کتاب جادوگر دُزار است یک رمان فوق‌العاده فقط نیست، کتابی از اشارات و نکات فلسفی ندرت آرمی فقط نیست، بلکه بی‌تردید یک شاهکار ادبی است. من که تقریباً همهٔ مردم را مشغول ادبیات، خواندن، نوشتن و نقد ادبی بوده‌ام، به جرأت می‌توانم ادعا کنم که چنین اثری به ندرت آفریده می‌شود. رمانی که هر سط‌آن، نان‌دهنده باشد، آمیزه‌ای از شعر و شطح و روایت توصیفی و در عین حال که حکایت دردها و رنج‌های زن در افغانستان یا به طور عمومی انسانی امروز را سرزمینی به نام افغانستان باشد، اسرار اندوه‌های عمیق بشری باشد. رمان، داستان مسخ‌شدگی انسان، در تلاقی سنت‌های تلخ جامعه‌های فراموش شده و هجوم دانش مدرن است. روایت زنی که پس از رسیدن چند دختر، در آخرین بار، گرفتار جنون می‌شود، نوزادش را در دیگ بخاری می‌افکند و خود تبدیل به دیوانه‌ای می‌شود که می‌پندارد سگ است، یا به راستی تبدیل به سگی ماده می‌شود، اگر آدمی چیزی جز پندارش نیست.

زن، از جمله زنان بی‌سواد روستایی نیست، زنی شهری و تحصیل کرده است، زنی کتاب‌خوان و دانشگاه دیده، یا به اصطلاح روشنفکر، اما قیدهای سنت، دامن‌گیر همه است و در این میان، چه بسا زنی تحصیل کرده، در این زندان آکنده از مصیبت‌های تاریخی، رنجش نیز شکلی فجیع‌تر داشته باشد.

استاد وفا، این رنج را و در کل روایت جنون‌زدگی را به بهترین شکلی توصیف کرده است. نویسندگان اندکی هستند که روایت اول شخص جنان را نوشته‌اند درست به سرانجام برسانند و استاد وفا یکی از این نویسندگان است. از آن جا که دیوانه مجاز به گفتن بسیاری گفتنی‌های ناسازگار است، او تاروپود نه تنها باورهای سنتی افغانی، که تاروپود عقاید تثبیت‌شدهٔ انسان‌م‌وز را به چالش می‌گیرد. او مثل نویسندگان بزرگ تاریخ، مثل داسیوفسکی یا لیچ، به جنگ تاریخ فکر بشر می‌رود، به جنگ باورهای مصلوبی که قرن‌ها لج کرده‌اند و چهرهٔ حقیقت گرفته‌اند، او این حقایق مستحیل شده را به هم می‌ریزد. با فلاش‌بک‌های فنی که به روایت حاملگی‌اش و بعد توانا کردن دامن از دختران پیشینش می‌پردازد، به بازگشتی که از دورهٔ عاشقی و دورهٔ نامزدی با همسرش «چنار» دارد، چنار، نام مردانهٔ معمولی است در قسمت‌هایی از افغانستان، اما از طرفی درختی سبز اما بی‌بر است. به همین دلیل نام خود زن، زرگره، و نام فرزندان، نام پسر هرگز به دنیا نیامده‌س، نام دختران پیشینش که هر کدام باری از قصه‌های قدسی تاریخی را با خود دارند، ملالی، اسطوره یا افسانه زن قهرمان در افغانستان است، اما او همهٔ این قهرمان‌ها را به چالش می‌گیرد.